

## \* شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر آیات و روایات

- الهام تقی نیا<sup>۱</sup>
- نصیر علی صوفی<sup>۲</sup>
- فرشته رستمی

### چکیده

واژه تمدن در علوم اجتماعی از واژه‌هایی است که در تحلیل‌های تاریخی - اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تمدن‌ها براساس نوع تکوین، اشکال مختلفی دارند و هر یک دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توان به وسیله آن، تمدن‌ها را از یکدیگر بازشنخت و تقسیم‌بندی نمود. یکی از این تمدن‌ها، تمدن اسلامی است که مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی است. در این پژوهش به دنبال آن هستیم که بارزترین ویژگی‌های تمدن اسلامی را که زایله اسلام است، همچون داشتن جهان‌بینی پویا، مبارزه با سنت‌های غلط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه، عدالت محوری، تأکید بر مدارا و بصیرت، اقتدارگرایی، مسؤولیت‌پذیری و... از منظر آیات و روایات مورد تبیین و بررسی قرار دهیم. در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۳۱

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، مدرس دانشگاه علمی کاربردی شهرستان روانسر (نویسنده مسؤول)

etaghinia@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

## مقدمه

استفاده شده است.

**واژگان کلیدی:** تمدن، تمدن اسلامی، تمدن اسلامی در قرآن.

از آنجایی که تمدن شناسی گامی مؤثر در جهت تمدن سازی و خروج از سلطه تمدن های دیگر است و در راستای تشخیص کارامدی نظام های اندیشه ای مؤثر واقع می شود (کرمی فقهی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۱ و داوری اردکانی، ۱۳۸۰، ص ۱۱). چنین به نظر می رسد که ارائه بارز ترین شاخص ها و ویژگی های تمدن اسلامی بتواند گامی مؤثر در راستای تمدن سازی و خروج از سیطره تمدن غربی و دیگر تمدن ها باشد.

تمدن اسلامی و شاخص هایش اگر به صورت جلدی مرکز توجه و فعالیت قرار گیرند و از غفلت نسبت به آنها خودداری شود، ضمن ایجاد تحولی عمیق در جامعه انسانی، مجموعه ای از اندوخته های مادی و معنوی جهت نیل انسان به کمال مطلوب به بشریت عرضه خواهد نمود؛ همان طور که در بعضی از اعصار اندیشمندان و آگاهان دیگر جوامع به وضوح به تأثیرپذیری تمدن و فرهنگ جوامع شان از تمدن اسلامی اقرار داشته و اعتراف می کنند. ویل دورانت از جمله نویسنده ای است که به این برتری تمدن اسلامی و تأثیرش بر تمدن غربی چنین اشاره می کند: «اسلام طی پنج سده از لحاظ نیرو و نظم و بسط قلمرو و اخلاق نیک و تکامل سطح زندگانی و قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی و ادبیات و تحقیق علمی و طب و فلسفه پیشahnگ جهان بود. دنیای اسلام در جهان مسیحی نفوذ های گوناگون داشت. اروپا از دیار اسلام، غذاها و شربت ها، داروها و درمان و اسلحه و نشان های خانوادگی، سلیقه و ذوق هنری، ابزار و رسوم صنعت و تجارت، قوانین و رسوم دریانوردی را فرا گرفت و غالباً لغات آن را نیز از مسلمانان اقتباس کرد. علمای مسلمان ریاضیات را به اروپا انتقال دادند» (دورانت، ۱۳۴۳، ص ۳۲۲). بنابراین آگاهی از ویژگی های تمدن اسلامی و پیاده کردن آن در جامعه، فرصت بسیار مغتنمی است که در سایه آن، افراد بشر به

رشد و پویایی و کمال حقیقی دست یابند و در نهایت آینده‌ای سرشار از آرامش و پیشرفت‌های مادی و معنوی و... برای خود و نسل‌های آینده رقم زند. در نتیجه باید به صورت جدی‌تر و عمیق‌تر به نهادینه کردن و در مرحله بعد عملی کردن این شاخص‌ها که می‌توان گفت تاکنون مورد غفلت واقع شده است، پرداخت تا تمدن اسلامی به معنای واقعی در حیات انسانی رخ دهد.

در نتیجه در این پژوهش به دنبال آن هستیم که به مفهوم شناسی تمدن اسلامی و در ادامه به بازشناسی شاخص‌های شوری تمدن اسلامی، از جمله داشتن جهانی‌پویا، مبارزه با سنت‌های غلط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه، عدالت محوری، تأکید بر مدارا و بصیرت، اقتدارگرایی، مسؤولیت پذیری و... از منظر آیات و روایات پیردازیم تا بتوانیم با تبیین این شاخص‌ها گامی مؤثر در ارائه الگوی مناسب برای جوامع مختلف علاقه‌مند به اسلام و تمدن شدن براساس حیات اسلامی و دینی برداشته باشیم.

### مفهوم شناسی تمدن اسلامی

#### تمدن اسلامی

تمدن از واژه لاتین Civitas معادل کلمه poleis یونان قدیم می‌باشد. یونانیان باستان با استفاده از کلمه تمدن (civilization) نشان دادند که شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانند که سازنده شکلی برتر از زندگی است. با توجه به این که تمدن معانی مختلفی دارد، ولی اصلی‌ترین معنای آن شهرنشینی و شدن و اقامت در شهر است و بر همین اساس، این کلمه معادل واژه شهرآینی و به معنای حسن معاشرت است (جان احمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۴). البته رابطه میان شهر و تمدن، رابطه جزء و کل است نه ظرف و مظروف. بنابراین اگرچه تمدن (Civilization) از مدینه به معنای شهر ریشه می‌گیرد. ولی در اصل شهر معمول تمدن بوده نه علت آن، یعنی به واقع شهر جزء تمدن است (برنال، ۱۳۵۴، ص ۸۶). به همین دلیل تمدن به مفهوم خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان آمده

است (معین، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۵۹). از این رو تمدن عبارت است از برقراری نظم اجتماعی و جامعه پذیری جهت همکاری و تعاون میان انسان‌ها که زمینه را برای مقبولیت یک فرهنگ فراهم می‌سازد. به تعبیر دیگر تمدن، زندگی جمعی همراه با پذیرش نظم اجتماعی است که نتیجه آن تحقق خلاقیت فرهنگی می‌باشد (جیمز، ۱۳۷۰، ص ۱۲۵).

تمدن‌ها براساس نوع تکوین، اشکال مختلفی دارند و هر یک دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توان به وسیله آن تمدن‌ها را از یکدیگر بازشناخت و تقسیم بندی نمود. تمدن اسلامی از نوع تمدن‌های یکجانشین مبتنی بر حیات دینی و ایدئولوژی درون دینی است. از این رو تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که پایه و اساس آن بر محور دین اسلام پایه‌ریزی شده است؛ همان‌طوری که مدینه النبی براساس همین ارکان و مؤلفه‌ها شکل گرفت.

### شاخص‌های تمدن اسلامی

تمدن اسلامی به عنوان نمونه کاملی از تمدن دینی شاخصه‌هایی دارد که آن را از دیگر تمدن‌ها متمایز می‌نماید. این شاخصه‌ها منبعث از قرآن و سنت بوده و از این جهت می‌تواند پاسخ‌گوی پرسش‌های فراروی بشر باشد و الگو و نمونه‌ای برای سایرین محسوب شود. عمدۀ ترین شاخص‌های تمدن اسلامی عبارتند از: خدامحوری و الهی بودن، عدالت‌گستری، اخلاق مداری، مدارا، تعقل و اندیشه‌ورزی.

#### ۱. داشتن جهان‌بینی پویا

زیربنایی ترین و اصلی‌ترین شاخص تمدن اسلامی داشتن جهان‌بینی متعالی و همه جانبی گرایانه است و برای این که دین اسلام به همه عوامل رشد انسانی، اعم از رشد معنوی و مادی توجه دارد، اسلام مکتبی جامع است که هم برای بعد عقلی و اعتقادی، هم برای بعد روحی و اخلاقی و هم برای بعد جسمی و رفتاری و

ظاهری انسان برنامه دارد. لذا اگر تمدنی فقط بر مبانی بعد مادی انسان و پیشرفت مادی بنا شد و از ارزش و رشد معنوی غفلت ورزید، گرفتار تباہی و فساد خواهد شد. به تعبیر دیگر، تمسک به دین و لوازم آن، به ویژه اخلاق، عقل و علم، تمدن‌ساز و وحدت‌افزا و عدالت‌آفرین است؛ فاصله‌گرفتن از یک بعد یا پرداختن به بعدی از ابعاد وجودی بشر نیز تمدن‌برافکن و فسادانگیز است. به همین دلیل، اگر امتی بخواهد قدر تمدن و متعدد باشد، زیر پرچم پرافتخار اسلام، آن را خواهد یافت.

امام خمینی درباره جهان بینی و تأثیر آن بر زندگی، خطاب به گورباقف چنین می‌فرماید: «مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است. لذا لازم دانستم این موضوع را به شما گوشزد کنم که بار دیگر به دو جهان بینی مادی و الهی بیندیشید. مادیون معیار شناخت در جهان بینی خویش را «حس» دانسته و چیزی را که ماده ندارد موجود نمی‌دانند. قهرآ جهان غیب، مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت، را یکسره افسانه می‌دانند. در حالی که معیار شناخت در جهان بینی الهی اعم از «حس و عقل» می‌باشد، و چیزی که معقول باشد داخل در قلمرو علم می‌باشد گرچه محسوس نباشد. لذا هستی اعم از غیب و شهادت است، و چیزی که ماده ندارد، می‌تواند موجود باشد. و همان‌طور که موجود مادی به «مجرد» استناد دارد، شناخت حسی نیز به شناخت عقلی متکی است. قرآن مجید اساس تفکر مادی را نقد می‌کند، و به آنان که بر این پندارند که خدا نیست و گرنه دیده می‌شد؛ **﴿لَنْ تُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرًً﴾** می‌فرماید: **﴿لَا تُدْرِكُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾** (نامه تاریخی امام خمینی به گورباقف در ۱۱ دی ماه ۱۳۶۷).

بنابراین جهان بینی اگر الهی و خدایی باشد؛ از هوای الهی بهره می‌برد و لایه‌های آن شفاف، پویا و متعالی گردیده و مهیا می‌شود تا باورها و ارزش‌های الهی را از خود انکاس دهد و در رفتار بیرونی متجلی شود. حال اگر این روند به خوبی طی شود و جهان بینی الهی در ایدئولوژی و سپس در رفتار فرد و جامعه

متجلی گردد و آسیب‌ها و موانع، آن را متوقف نسازد؛ در تمامی عرصه‌های زندگی، همچون اقتصاد، سیاست، خانواده و... معطر و مزین به عطر خدایی شده و در این جامعه رفتار و پندار مردم، الهی می‌شود و با همهٔ شهروندان ارتباط مهرآمیز برقرار می‌کند و به عنوان پشتیبان مادی و معنوی آنها وارد صحنه می‌شود. ولی اگر این جهان بینی از زلال معرفت بهره‌مند نگشته و علم و خرد جمعی نتواند از زلال وحی استفاده کند و یا این که منابع آن دچار تحریف و یا آسیب شود؛ ارزش‌ها و باورهای پدید آمده از این جهان بینی سست و ناپایدار خواهد بود و در نهایت قدرت تجلی و اثرگذاری در عرصهٔ رفتار و محیط اجتماع را خواهد داشت و چنین جامعه‌ای که دارای این جهان بینی است دچار سردرگمی می‌شود و پیشرفتی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و... نخواهد داشت و هرج و مرج دامن‌گیر چنین جوامعی می‌شود (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵، ص. ۲۵). بنابراین می‌توان گفت که جهان بینی و دین عاملی مؤثر و کلیدی در تولید کردن، پرورش دادن و به ثمر رساندن تمدن است و با مطالعهٔ تاریخ انبیاء الهی در قرآن کریم و با عنایت به کوشش‌های آنان در جهت بسط فرهنگ و بنای تمدن به این مهم پی می‌بریم. جهان بینی متعالی و پویا، بشر را به سوی برپایی اجتماعی منسجم و منظم و به دور از پراکندگی و بی‌سامانی رهنمایی کشته و با ارائه عقلانیتی متعالی، انسان‌ها را در مسیر نیل به سعادت و رفاه به پیش می‌راند.

با در نظر گرفتن مبادی مذهبی تمدن در می‌یابیم که در تمدن‌های بزرگ از جمله تمدن اسلامی فعالیت‌های اجتماعی، اعم از نظری و علمی و تجارب سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، فکری و فلسفی برخاسته از نوعی نگاه مذهبی و گرایش دینی است. تمدن اسلامی با مجموعه‌ای از قوانین دینی که برگرفته از قرآن و سنت است همهٔ ابعاد زندگی و دقایق حیات فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی را شامل می‌شود و به همین دلیل توانست طی قرون متتمدی جامعه را به سمت تکامل هدایت نماید. از طرف دیگر این قواعد دینی با اصول طبیعی حیات بشری مطابقت داشت و از این جهت توانست در

مدت زمانی کوتاه محدوده مکانی و جغرافیایی تمدن اسلامی را بسط و گسترش دهد؛ به طوری که تا پایان قرن اول هجری از هندوستان تا اقیانوس اطلس و از قفقاز تا خلیج فارس پرچم اسلام به اهتزاز درآمد (بلاذری، ۱۳۶۷، صص ۱۸۱ و ۲۸۷؛ و لسترنج، ۱۳۷۶، ص ۱۹؛ و خلیل حتی، ۱۳۶۶، ص ۵۳۳). آن چنان که اندیشه سیاسی دین اسلام در پرتو لا اله الا الله تجلی یافته و شعار پیامبر اسلام ﷺ عبارت بود از: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰۲). اسلام از این طریق همه اقوام و ملل مختلف که در حیطه جامعه اسلامی قرار گرفتند را زیر لوای وحدانیت گرد آورد و پیوند عمیقی میان آنها برقرار نمود. بنابراین اسلام با این ویژگی همه ادیان را به اتحاد در پرستش خداوند فرامی خواند. خداوند در قرآن می فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابَ تَعَالَوْا إِلَى كَلْمَةٍ سَوَاءٍ يَبَيِّنُنَا وَ يَبْيَنُنَا أَلَا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلُّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران/۶۴)؛ بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد»، هر گاه (از این دعوت) سرباز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم!» می خواند.

بنابراین اصل وحدت و یکپارچگی که مورد تأیید اسلام است نتیجه داشتن جهان‌بینی پویاست و عاملی مهم در پیشرفت اسلام، ایجاد امنیت، و در نتیجه تمدن سازی و شکوفایی آن محسوب می‌شود؛ به طوری که گوستاو لویون فرانسوی توحید و اجتماع مسلمانان تحت لوای آن را دلیل عمده پیشرفت و کامیابی مسلمانان می‌داند (لویون، ۱۳۵۸، ص ۷۹۰).

۲. مبارزه با سنت‌های غلط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه دین اسلام و تمدن برگرفته از این جهان‌بینی بعد از ظهور در شبه جزیره‌العرب نه

تنها در آن منطقه، بلکه در گستره جغرافیایی وسیعی با بسیاری از سنت‌های غلط اجتماعی و فرهنگی حاکم، به مبارزه پرداخت تا آنجایی که بسیاری از این سنت‌ها به طور کلی در جامعه به فراموشی سپرده شدند.

از جمله این سنت‌ها که در قرآن با آن و امثال آن به مبارزه پرداخته شده است؛ حمی و استئثار است که به نفع جمعی و به ضرر گروهی از مردم است. این سنت که در زمان جاهلیت مرسوم و متداول بوده است، بسیاری از امتیازات را به طبقه ثروتمند جامعه در آن زمان می‌داد و دیگران از حقوق اقتصادی، مالی و... خود محروم می‌ماندند و از این رو است که گفته می‌شود؛ این سنت‌های غلط اجتماعی مانع برای عدم تأمین رفاه مطلوب به شمار می‌آید.

حمی و استئثار اموال و منابع طبیعی، از عوامل مهم تقسیم نابرابر و غیرعادلانه ثروت و پیدایش طبقه غنی مترف و مسرف و فقیر تهییdest و بینواست و این کاری است به خلاف سنت آفرینش و هدف از خلقت مواهب طبیعی؛ زیرا که اصل در نظام آفرینش بر تعییم نفع و بهره‌برداری عمومی است. در هر جای قرآن کریم سخن از مواهب طبیعی رفته است، توده‌های ناس و جامعه بشری مخاطب قرار گرفته و بهره‌برداری را از آن همگان دانسته است. در حالی که استئثار گران خلاف این را عمل می‌کنند.

در عصر نزول در شبه جزیره عربستان برخی از مردم سرزمین بکر و سرسبزی را با ساختن کله‌ای در آن از آن خود می‌کردند. معمول این بود تا فاصله‌ای که صدای سگشان می‌رفت را متعلق به خود می‌دانستند (اصغری، ۱۳۷۷، ص ۶۳). اولین کسی که این کار را کرد کلیب بن وائل بود که پیامبر ﷺ با ظهور اسلام حمی را نهی کرد و آن را از افعال و کارهای دوران جاهلیت دانست (جود علی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۱۴۹). استئثار یعنی: «استئثر بالشیء؛ ای استبد به و خص به نفسه» (طريحي، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۹۹) نسبت به چیزی استئثار ورزید؛ یعنی استبداد به کار برد و آن را ویژه خود ساخت (آن را در انحصار خود درآورد). در کل، اسلام با هرگونه کسب و درآمدی که از راه استئثار و تصاحب

حقوق دیگران باشد و یا بدون کار و تلاش به دست آید؛ مخالف است. قرآن کریم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَ لَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال هم‌دیگر را به ناروا مخورید مگر آن که داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما باشد و خودتان را مکشید، زیرا خدا همواره با شما مهربان است. آن را به طور عام اکل به باطل می‌نامد که شامل هرگونه مال باطلی مانند: رشوه، قمار، ربا، احتکار و استثمار می‌باشد.

در این آیه هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و بدون مجوز منطقی و عقلانی بوده باشد، ممنوع شناخته شده و همه را تحت عنوان «باطل» که مفهوم وسیعی دارد قرار داده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۵۵).

بنابراین استثمار، یکی از خطروناک‌ترین سنت‌های غلط حاکم بر جامعه است که نه تنها موجب انحطاط اخلاقی است، بلکه فساد اجتماعی و سیاسی و سقوط دولت‌ها را نیز به دنبال دارد. در حکمت‌های منسوب به امام علی علیهم السلام می‌خوانیم: «الاستئثار يوجب الحسد، و الحسد يوجب البغض، و البغض توجب الاختلاف، و الاختلاف يوجب الفرقة، و الفرقة توجب الضعف، و الضعف يوجب الذلة، و الذلة يوجب زوال الدولة و ذهاب النعمة»؛ انحصار طلبی، حسادت می‌آورد و حسادت، دشمنی و دشمنی، اختلاف و اختلاف، پراکندگی و پراکندگی، ضعف و ضعف، زیونی و زیونی، زوال دولت و از میان رفتن نعمت. مطالعه دقیق تاریخ اسلام و بررسی علل انحطاط امت اسلامی نشان می‌دهد که استثمار (انحصار طلبی) شماری از سردمداران امت، بیشترین ضریبه را به نفوذ و گسترش این آسمانی وارد ساخت (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰۹). در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده است: «خَمْسَةٌ لَعَنْهُمْ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُجَابُ الزَّائِدِ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ التَّارِكُ لِسُتُّنِيٍّ وَ الْمُكَذِّبُ بِقَدَرِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِتْرَتِي مَا حَرَمَ اللَّهُ وَ الْمُسْتَأْثِرُ بِالْفَيْءِ الْمُسْتَحِلُّ لَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۹، ص ۱۱۶)؛ پنج کس مورد لعنت من و هر پیامبر

مستجاب الدعوه‌ای است یکی از آنها المستثار بالفی است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «ما أَدْنَى حَقَّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ قَالَ أَنْ لَا يَسْتَأْثِرَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَحْوَاجُ إِلَيْهِ مِنْهُ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۱، ص ۳۹۱). از امام صادق علیه السلام سؤال شد: کم‌ترین حقی که مؤمنی بر برادر مؤمن خود دارد چیست؟ گفت: (کم‌ترین حق مؤمن) این است که چیزی را که او (برادر دینی) بیشتر به آن نیاز دارد، در انحصار خود نگیرد.

در نتیجه سنت‌های غلط اجتماعی و فرهنگی مانعی برای متمدن شدن جوامع به شمار می‌آید، از این طریق که به عنوان سدی در برابر پیشرفت‌های اقتصادی و فرهنگی ... و بهتر شدن شرایط زندگی مردم قرار می‌گیرند و به دلیل چنین آثار سوئی است که در آیات و روایات به مبارزه با چنین سنت‌هایی پرداخته شده است.

### ۳. عدالت محوری و مساوات

ایمان عمیق قلبی و عملی به اصل عدالت و گام سپردن در شاهراه دادگری در میدان‌های گوناگون زندگی از اساسی‌ترین علل رشد و تکامل جوامع و پیادایش و شکوفایی تمدن‌هاست. به همین دلیل قرآن موضوع حیاتی عدالت و دادگری را طرح نموده و برای تحقق همه جانبه و حقیقی آن در زندگی جوامع، تمدن‌ها و نظام‌ها سخت می‌کوشد و در رابطه با ظلم و ستم، انحراف، انحصار، استبداد، فتنه، تباہی و دین گریزی سخت هشدار می‌دهد.

در اسلام اصل عدالت، در نظام آفرینش و جهان‌بینی، نظام حقوقی و وضع قوانین زندگی، اجرای سیاست و مدیریت، جهانداری و نیز در سیستم اخلاقی و منش انسانی تعریف شده است (کرمی فریدونی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۹) و همچون روحی بر کالبد جوامع و تمدن‌هاست؛ به طوری که می‌توان گفت عدالت باعث قوام، دوام، اقتدار و پیروزی جامعه و تمدن است.

در نتیجه، تأکید ویژه به آزادی، برابری و مساوات از ویژگی‌های اسلام و

فرهنگ و تمدن اسلامی است؛ زیرا اسلام همه افراد بشر را برابر دانسته و عواملی مانند رنگ، نژاد، خون، ثروت و زبان، که جهات امتیاز طبقاتی و تبعیضات قومی و نژادی در دنیا شناخته می‌شوند را به کلی مردود می‌داند. خداوند در قرآن می‌فرمایند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات/۱۳)؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و آگاه است.

مقام معظم رهبری (الله) درباره عدالت در نظام اسلامی می‌فرماید: «فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران ﷺ و نزول کتاب و میزان الهی برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمل، نجات یافته، در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل آیند. دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پی‌گیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هرچند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا و محرومین، در سرلوحة برنامه‌های آن نباشد غیراسلامی و منافقانه است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۵۴).

از این جهت در حوزه وسیع تمدن اسلامی اقوام و ملل مختلف نظری عرب، ایرانی، ترک، هندی، چینی، مغولی، آفریقایی و حتی ذمیان زندگی می‌کردند. در واقع وعده‌های عدالت و برابری و برادری که در اولین پیام‌های مسلمانان در فتوحات سر داده شد چنان جذابیتی داشت که بسیاری از مردم نواحی مختلف نه تنها جذب اسلام شده بلکه در گسترش فکری، فرهنگی و پیشرفت تمدنی سهم بسزایی داشتند.

#### ۴. اخلاق گرایی

تأکید اسلام به اخلاق انسانی یکی دیگر از شاخص‌ها و عوامل بقا، رشد و تعالیٰ تمدن بشری به شمار می‌آید. از مجموع آیاتی که در این رابطه در قرآن وجود دارد این حقیقت دریافت می‌شود که سقوط اخلاقی و بحران معنویت مقدمه سقوط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی و عامل نابودی نظام‌ها و تمدن‌هاست و این یکی از سنت‌های حاکم بر جامعه و تاریخ است؛ چون یک جامعه و تمدن هنگامی می‌تواند به حیات سعادتمند خود ادامه دهد و به پویایی و پایایی، رشد و تکامل خود امیدوار باشد که اصول، ارزش‌ها و اخلاق را در جامعه رعایت نماید (کرمی فریدونی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۹). در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده است که ایشان در مورد فلسفه بعثت خویش چنین فرمودند: «بُعْثَتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۷، ص ۳۷۲)؛ برای اتمام مکارم و فضائل اخلاقی مبعوث شدم. در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام این معنا با صراحة بیشتری آمده است: «ان البر و حسن الخلق يعمران الديار و يزيدان في الاعمار»؛ نیکوکاری و حسن اخلاق، خانه‌ها (و شهرها) را آباد و عمرها را زیاد می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸، ص ۳۹۵).

امام خمینی ره در مورد فساد اخلاقی و جایگاه آن در تمدن و جوامع اسلامی چنین عنوان می‌کنند که «آن گروه از وجوده تمدن غرب که با خود فساد اخلاق و فساد عفت بیاورد در جوامع اسلامی جایگاهی ندارد» (خدمتی ره، ۱۳۷۴، ص ۱۰۸).

جرجی زیدان، نویسنده مسیحی لبنانی می‌نویسد: نخستین اقدام سودمند پیامبر ﷺ پس از ورود به مدینه، بستن پیمان دوستی میان مسلمانان مکه و مدینه بود، عقد برادری میان مهاجرین و انصار، نخستین شالوده اتحاد اسلام بود که توسط پیامبر ﷺ طرح شد. از نظر جرجی زیدان از همان ابتداء، مسلمانان با تأکید بر اخلاقیات و معنویات، به آئین اسلام رسمیت و اهمیت دادند و تمدن اسلامی را بر پایه اخلاق و معنویت پایه‌ریزی کردند. بنابر این می‌توان گسترش اخلاق و

رفتار اسلامی را یکی دیگر از عوامل رشد و بالندگی تمدن اسلامی به شمار آورد (زیدان، ۱۳۸۴، ص ۲۶۵).

در تمدن اسلامی تا زمانی که اصول و اخلاق انسانی رعایت می‌شد، رشد و پیشرفت وجود داشت و زمانی که به ویژه در عهد امویان و برخی ادوار بنی عباس اصول اخلاقی پایمال گردید، تمدن اسلامی نیز دچار ضعف و رکود شد.

## ۵ مدارا و رفق و سازش

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تمدن اسلامی و عامل رشد آن از بد و ظهر تا به امروز مدارا و رفق و سازش بوده است. سیر تاریخی اندیشه مدارا در اسلام به زمان ظهر این دین الهی بازمی‌گردد؛ به طوری که در سیره پیامبر اکرم ﷺ و پیشوایان معصوم ﷺ و روایات قرآن جلوه‌گری خاصی داشت. زمینه این تسامح، بلندنظری و عدم تعصب، آیات قرآن کریم و روایات معصومین ﷺ بود که بر رفق و مدارا با اهل کتاب و دیگر مسلمانان و مشرکان بی‌آزار تأکید داشتند و به اصطلاح در مسلمانان روح تساهل و تسامح در مقام علم آموزی و فراگیری به وجود آورد. از این رو نسبت به تمدن‌های پیشین موضع ویژه‌ای را اتخاذ کرد؛ بدین صورت که نه در مقابل آنها صفات آرایی نمود و نه در برابر آن تمدن‌ها منفعل شد، بلکه به رفع نقاط منفی و جذب نقاط مثبت تمدن‌های دیگر پرداخت (کاشفی، ۱۳۸۴، صص ۶۵-۶۸). دکتر زرین‌کوب در این باره می‌گوید: «تمدن اسلامی نه تقلید کننده صرف از فرهنگ‌های سابق بود و نه ادامه دهنده محض، بلکه ترکیب کننده بود و تکمیل سازنده» (زرین‌کوب، ۱۳۸۱، ص ۲۹).

نتیجه رفق و مدارا در تمدن اسلامی آن بود که وظایف افراد بدون در نظر گرفتن عقیده و مذهب شخصی به اهل آن سپرده می‌شد و همه تعقیب شدگان دربار بیزانس و یا علم جویان ایرانی را به بیت‌الحکمة اسلامی دعوت کرد و عرب، عجم، نصاراء، زردهشت و یهود در کنار یکدیگر با آسایش و آرامش وصف ناپذیر به خلق آثار علمی مبادرت نمودند (جان احمدی، ۱۳۸۶، ص ۶۸).

از این رو تسامح و مدارا که در قلمرو اسلامی میان اقوام و ملل مختلف ایجاد شد لازمه رشد تمدن واقعی گردید و مادر تمدن انسانی اسلام لقب گرفت (زرکوب، ۱۳۸۱، صص ۲۳-۲۱).

## ۶. تعقل و اندیشه ورزی

توجه خاص دین اسلام به تعلم و تعقل موجب شد که بعدها با دست یابی مسلمانان به منابع و مراکز علمی ملل مجاور و آشنایی علمی و عینی گسترش آنها با تمدن‌های پیشین از طریق فتوحات، شرایط مناسبی برای شکل‌گیری مدنیت جدید فراهم شود. به این ترتیب پایه اصلی علم و تمدن اسلامی در خود اسلام و در محیط مساعد و سفارش و تشویقی که اسلام بر آن داشت بود (زرین کوب، ۱۸۳۱، ص ۲۸).

اسلام دین تفکر، تعمق و تعقل است. در اسلام تفکر و تعقل بن مایه و چشمۀ جوشان دانش محسوب می‌شود و چنان جایگاه رفیعی دارد که به شکل استفهام انکاری در سیزده آیه «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» و در هفده آیه «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» آمده است. از نظر قرآن عقل موهبتی الهی است که آدمی را به سوی حق هدایت کرده و از گمراهی نجات می‌دهد و منظور از عقل در قرآن ادراکی است که در صورت سلامت فطرت، به طور تام برای انسان حاصل می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۲۵۰-۲۵۲).

در نتیجه با این تفکر، اسلام عقلاتیت مبتنی بر علم را ستایش می‌کند و فعالانه آنها را در سرنوشت تمدنی و نشانه‌ای برای متمدن شدن بشر دخیل می‌داند. آن چنان که در قرآن آمده است: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (مجادله/۱۱)؛ خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است!

بنابراین آمدن انبیای الهی عليهم السلام و به دنبال آن ظهور اسلام و تمدن اسلامی

برای به کار انداختن و آزاد ساختن عقل‌ها و خرد هاست. شهید مطهری ره از جمله هدف‌هایی که تمامی پیامبران برای پیاده کردن آن مشترک و همسو بوده‌اند را، بیدار کردن نیروهای عقلانی بشر و برداشتن زنجیره‌هایی که عقل و خرد را در بند می‌کشد، می‌شمارد و اعتقاد دارد حتی پیشرفت‌هایی که بشر امروز در دستاوردهای عقلی و علمی پیدا کرده است، وامدار ظهور انبیا در سیره تاریخ زندگی انسان است. شهید مطهری ره می‌فرماید: در اصول دین اسلام جز عقل هیچ چیز دیگری حق مداخله ندارد، یعنی اگر از شما بپرسند که به چه دلیل به خدا ایمان آورده‌اید، شما باید دلیل عقلی بیاورید. اسلام جز از راه عقل از شما قبول نمی‌کند. اگر بگوئید من در خواب یقین پیدا کردم یا تأثیر محیط است و... اسلام جز تحقیقی که عقل تو با دلیل و برهان مطلب را دریافت کرده باشد هیچ چیز دیگر را قبول ندارد (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۱۵۲). بنابر مطالب گفته شده می‌توان چنین عنوان کرد که یکی از بارزترین شاخص‌های تمدن اسلامی، پرورش و به کارگیری عقل و اندیشه در زمینه‌های مختلف است.

## ۷. علم و دانش اندوزی

یکی از شاخص‌های تمدن اسلامی ارج نهادن به علم آموزی و عالمنان است. بر همین اساس مسلمانان از هر گوشۀ دنیا علم و حکمت را فراگرفتند و چون مقلد صرف نبودند، به تکمیل آن پرداختند و بر فرهنگ و آداب و رسوم بسیاری از جوامع دور و نزدیک تأثیر گذار شدند. همان طور که آمده است تمدن علمی و هنری و فرهنگی کشورهای اروپایی برگرفته از علم و دانش مسلمان‌هاست. مسلمانان متخصص در زمینه‌های سیاست، ادبیات، جغرافیا، ریاضیات، هیأت، شیمی، فلسفه، طب، معماری و نظامی و در واقع معلمان تمدن غرب محسوب می‌شوند» (پاک نیا، ۱۳۸۵، ص ۲۱۳۹).

در قرآن کریم برای علم آموزی و علماء و دانشمندان، به عنوان یکی از ویژگی‌های تمدن اسلامی، جایگاهی بس رفیع و ارزشمند ذکر شده است: «یا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحَ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا  
قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ  
بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (مجادله/۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آوردها ید و قتی به شما گفته  
می شود در مجالس به یکدیگر جا بدھید جا دھید تا خدا هم جای شما را در  
بهشت و سعی دهد، وقتی هم گفته می شود برخیزید تا شخص محترمی بنشیند  
برخیزید خدای تعالیٰ مؤمنین را به یک درجه، و علم داده شد گان را به چند  
درجه برتری داده و خدا بدانچه می کنید با خبر است.

در تمدن اسلامی، دانایان با نادانان برابر نیستند به طور مثال به گونه ای طراحی  
می شوند که به جای روابط فامیلی، شایسته سalarی بر آنها حاکم است. ﴿أَمْ هُوَ  
قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ ساجِدًا وَ قَائِمًا يَخْدُرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ يَسْتَوِي  
الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَاب﴾ (زمرا/۹)؛ آیا کسی که  
در اوقات شب در حال سجده و ایستاده به عبادت مشغول است و از آخرت  
می ترسد و امیدوار رحمت پروردگار خویش است مانند از خدا بی خبران است؟  
بگو آیا آنها که می دانند و آنها که نمی دانند یکسانند؟ هرگز ولی تنها کسانی  
متذکر می شوند که دارای خرد باشند.

پیامبر اکرم ﷺ از راههایی مانند ایراد خطابه، پند و موعظه، ارشاد و راهنمایی  
مسلمانان یا از طریق قرائت قرآن و سفارش به نوشتن آن، نوشتن حدیث، مکاتبه  
و فرستادن مبلغین اسلامی به سایر سرزمین ها همواره مسلمانان را به علم آموزی و  
خواندن و تعلم و فراغیری دانش تشویق می نمودند و به این صورت می توان  
گفت که علم آموزی یکی از شاخص ها و ویژگی های اولیه تمدن اسلامی به  
شمار می رود (ابن سعد، بی تا، ص ۳۷۳). به عنوان نمونه به تشویق رسول الله ﷺ،  
زید بن ثابت زبان عبری یا سریانی (یا هر دو) را آموخت و یا فردی مانند «عبدالله  
بن عباس» بنا به نقل مشهور با کتاب های تورات و انجلیل آشنایی یافت یا «عبدالله  
بن عمر و عاص» به کتاب تورات و به قولی به زبان سریانی وقوف پیدا کرد

(زرین کوب، ۱۳۶۲، ص ۲۷). این نمونه‌ها به خوبی بیان گر این مطلب می‌باشد که با ظهور اسلام و از زمان پیامبر ﷺ علم و دانش‌اندوزی بسیار مهم بود. رسول ﷺ در طول ۲۳ سال تلاش در راه اسلام، از همان روزهای آغاز بعثت تا زمان رحلت، در زدودن و از بین بردن جهل و نادانی مردم تلاش نمودند؛ چرا که نادانی می‌تواند نابودی و هلاکت مردم را فراهم کند و عبارات حکیمانه و گھرباری از ایشان در زمینه ضرورت تعلیم و علم آموزی، تلاش برای طلب علم و معرفت، مقام معلم و دانشمندان، جایگاه و ارزش قلم، واجب بودن فریضه آموختن یادگار مانده است. در اینجا به نمونه‌هایی از میراث آن حضرت در این زمینه اشاره می‌شود. کسب علم از نگاه رسول الله ﷺ به اندازه‌ای ارزش دارد که برای آن باید راه دور و دراز را تحمل نمود، به طوری که می‌فرمایند: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ، فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيقَةً عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۸، صص ۳۹۴۶ و ۳۹۴۸)؛ دانش را فرا بگیرد، هر چند در چین باشد، چرا که طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است و یا «فَيَدِدوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ» دانش را با نگارش و نوشتن به بند بکشید «الْعِلْمُ خَرَائِنُ وَ مَفَاتِحُ السُّؤَالِ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ تُوجَرُ أَرْبَعَهُ السَّائِلُ وَ الْمُتَكَلِّمُ وَ الْمُسْتَمِعُ وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ»؛ دانش گنجینه‌هایی است که کلیدهایش پرسش است. پرسید، خدایتان رحمت کند که چهار کسی را مزد برسد: پرسش کننده، پاسخ دهنده، پاسخ شنونده و دوستدار آن (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۲۷۳). طلب علم به قدری مهم شمرده شده است که انسان از همان آغاز زندگی تا آخرین لحظات عمر باید به دنبال آن باشد و پیامبر اکرم ﷺ در دوران رسالتش به این امر تأکید بسیار می‌فرمودند: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى الْلَّهِدِ» (ابن سعد، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۲۸)؛ از گھواره تا گور دانش را فرا بگیرید. علم و دانش وسیله‌ای است که باعث برقراری پیوند و رابطه انسان‌ها با خداست.

همچنین پیامبر عظیم الشأن اسلام ﷺ خود در زمینه آموزش آیات قرآن و

احکام دینی به یارانش، تلاش نمودند و آنها را در مسجدالنبی جمع می‌نمودند و به آنها آموزش می‌دادند، به طوری که ایشان توانستند در کمتر از سه سال قاریان بسیاری را پرورش دهند و این گفته زمانی صحیح است که بدانیم تنها در دو حادثهٔ «بئر معونه» و «رجیع» ۴۴ نفر از قاریان به شهادت رسیدند. همچنین از اسیران غزوہ بدر برای تعلیم خواندن و نوشتن به یارانش بهره برdenد (ابن سعد، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲ و سباعی، ۱۳۷۳، ص ۱۵).

سفراشات پیامبر ﷺ و عمل به سخنان آن حضرت، زمینه‌های لازم را برای رشد علم و دانش در میان مسلمان‌ها در ادوار بعدی فراهم آورد. دانش در میان مسلمین چنان رشدی نمود که بسیاری از کشورها و ملل جهان را تحت تأثیر خود قرار داد. ویل دورانت می‌گوید: «برج‌های بلند کلیساها مدیون مناره‌های مساجد است».

بنابراین با بررسی آیات و روایات مربوط به موضوع به این نتیجه دست پیدا می‌کنیم که تمدن اسلامی عالمِ متعبد، پرورش می‌دهد و برای دانشمندان و علماء ارزشی بسیار قائل است.

### نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت چنین به دست می‌آید که بدون تردید قرآن کریم و روایات ائمه معصومین ﷺ نظام نامه تمدن اسلامی هستند و تمدن اسلامی بدون این ارکان اساسی، نمی‌تواند دوباره ظاهر شود. اگر بخواهیم اجزاء به هم پیوسته این تمدن را شناسایی کنیم، در همهٔ تار و پود آن وجود گرانسینگ ثقلین اکبر و اصغر است که باعث بروز نبوغ و ابداع همهٔ محققان و دانشمندان از همهٔ ملت‌ها و نژادها و زبان‌ها شده است. هر چه حاصل شد همه از دولت قرآن و روایات است. اما می‌توان چنین عنوان کرد که؛ امروزه این شاخص‌ها آن چنان که باید و شاید در طول ادوار و اعصار مختلف مورد توجه قرار نگرفته اند و اگر در برنامه‌ها و دستورات عملی به صورت نظاممند گنجانده شود و از غفلت نسبت به آنها

خودداری شود تمدن اسلامی به معنای واقعی صورت می‌پذیرد و آثارش در حیات انسانی پدیدار خواهد شد. چنین تمدنی با مجموعه‌ای از قوانین دینی که از قرآن و سنت اخذ کرده است، همه ابعاد زندگی و دقایق حیات فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی را شامل می‌شود.

۲۱)

### منابع و مأخذ

۱. قرآن، ترجمة ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن سعد، محمد (بی‌تا)، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر.
۳. ابوالقاسمی، محمد جواد (۱۳۸۵)، به سوی توسعه فرهنگ دینی در جامعه ایران، تهران، انتشارات عرش پژوهه، چاپ دوم.
۴. اصغری، محمد (۱۳۷۷)، بررسی حقوقی و فقهی دو مسأله رشوه و احتکار، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۵. برناں، جان (۱۳۵۴)، علم در تاریخ، ترجمه اسدپور و دیگران، تهران، امیر کیمر.
۶. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۷۶)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نقره.
۷. پاک نیا، عبدالکریم (۱۳۸۵)، ویژگی‌های پیامبر اکرم، بی‌جا، نسیم کوش.
۸. جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۶)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، معارف.
۹. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام (۱۳۸۴)، ترجمة جواهر کلام علی، تهران، امیر کیمر، چاپ یازدهم.
۱۰. جواد، علی (۱۳۶۷)، تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام، ترجمه محمد حسین روختانی، مشهد، نشر مشهد، چاپ اول.
۱۱. جیمز، ولیام (۱۳۷۰)، تاریخ تمدن، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۱۲. حتی، فیلیپ خلیل (۱۳۶۶)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگاه.
۱۳. خامنه‌ای، علی (۱۳۸۲)، حدیث ولایت، تهران، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت علیهم السلام.
۱۴. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۰)، تمدن و تفکر غربی، تهران، ساقی.
۱۵. دورانت، ویل (۱۳۴۳)، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اقبال و فرانکلین.
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۱)، کارنامه اسلام، تهران، امیر کیمر.
۱۷. سباعی، محمد مکی (۱۳۷۳)، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه محمد عباسپور، محمد جواد مهدوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳)، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران،

- بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری نشر فرهنگی رجاء و انتشارات امیر کبیر.
۱۹. طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵)، مجمع‌البحرين، تهران، ناشر کتابفروشی مرتضوی، چاپ اول.
۲۰. کاشفی، محمد رضا (۱۳۸۴)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۱. کرمی فردونی، علی (۱۳۸۵)، ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، قم، نسیم انتظار.
۲۲. کرمی فقهی، محمد تقی و دیگران (۱۳۸۶)، جستاری نظری در باب تمدن، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۳. لسترنج، گای (۱۳۷۶)، سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۴. لویون، گوستاو (۱۳۵۸)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه هاشم حسینی، تهران، کتابفروشی اسلامی.
۲۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت، نشر مؤسسه الوفاء.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۰)، دانشنامه قرآن و حدیث، قم، ناشر دارالحدیث، چاپ اول.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، انسان کامل، تهران، صدرا.
۲۸. معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ معین، تهران، ناشر امیر کبیر، چاپ چهارم.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، نمونه، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۳۰. منتظر القائم، اصغر (۱۳۸۶)، تاریخ اسلام تا سال چهلم هجری، تهران، سمت با همکاری دانشگاه اصفهان.
۳۱. موسوی خمینی رهبر، امام روح الله (۱۳۷۴)، دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی رهبر، تهران، ذکر.